

یادگیری در آموزش و پرورش

فاطمه مسعودی^۱، جعفر معماری^۲، آسیه رهنمای^۳، فاطمه زارع^۴

۱. کارشناس ارشد روانشناسی سلامت، دانشگاه پیام نور گناباد، ایران

۲. کارشناس حرفه و فن، دانشگاه شهید رجایی شیراز، ایران

۳. کارشناس ریاضی کاربردی، دانشگاه پیام نور اوز، ایران

۴. کارشناس ارشد ادبیات، دانشگاه پیام نور شیراز، ایران

چکیده

آموزش و یادگیری، از دیر باز نقش اساسی در تداوم و بقای جوامع بشری ایفا کرده است. رشد و توسعه جوامع بشری بدون توجه به آن امکان پذیر نمی باشد. و به همین خاطر همه ساله سرمایه های هنگفتی صرف آموزش و پرورش نسل نو خواسته هر کشوری می شود. هدف نهایی آموزش و پرورش از تعلیم مطالب درسی عبارت است از اینکه توانایی فهمیدن و پیوند دانستنیها و در نهایت درک قاعده ها و قانون ها را تسهیل نماید و استعداد های درونی و طبیعی انسان شکوفا بشود. یادگیری در هر کاری که انسان انجام می دهد نقش دارد هر وجهی از رفتار فرد به تجارب یادگیری او بستگی دارد. ویژگیهای روانی دیگر نظیر گرایشها، نظام ارزشها مهارتها... با امر یادگیری پیوند دارند. بنابراین یادگیری پدیده ایست تغییر در رفتار را سبب می شود اما باید توجه داشت که یادگیری به طور مستقیم قابل مشاهده نبوده بلکه از طریق رفتار استنتاج می شود.

واژه های کلیدی: یادگیری، آموزش و پرورش، معلم

**مقدمه:**

در فرآیند یادگیری آموزش و پرورش، خیل عظیمی از دانش آموزان و فراگیرانی است که در یک محیط کاملاً باز تعامل دارند که علاوه بر عوامل مختلف اجتماعی مانند فرهنگ رسانه‌های گروهی، انگیزه‌های تحصیلی و عوامل مؤثر و مستقیم یادگیری نیز مثل معلم، کتابهای درسی، وسایل کمک آموزشی و شیوه‌های آموزشی نقش عمده‌ای در یادگیری بهتر ایفا می‌نمایند و بی شک اثر بخشی عوامل مؤثر در کلاس کیفیت برونداد و اندازه تغییرات حاصله در آن (دانش آموزان) تغییر خواهد داد، برای اینکه میزان اثر بخشی عوامل آموزشی را بهتر بسنجیم می‌بایستی در ابتدا رفتار و رویداد دانش آموزان را ارزیابی نموده و آموزش‌های جدید را بر مبنای پایه تحصیلی افراد ارائه نماییم. به نظر سیف رفتار ورودی به آمادگی فرد برای یادگیری هدفهای آموزشی اشاره می‌کند، به سخن دیگر، آنچه را یادگیرنده قبلاً آموخته است برای یادگیری مطلب تازه پیش نیاز محسوب می‌شود و نیز تجارب مثبت و منفی حاصل از آموخته‌های قبلی او را که در یادگیری مطلب تازه مؤثرند رفتار و ورودی او می‌نامیم.

یادگیری:

برای یادگیری تعریف‌های مختلفی وجود دارد که هر یک از آنها جنبه‌های خاص از فرایند یادگیری را در بر می‌گیرد و ولی جامع‌ترین و کامل‌ترین تعریف از دیدگاه هیلگارد و مارکویز (۱۹۶۱) عبارت است از ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یادگیرنده مشروط بر آنکه این تغییر بر اثر تجربه رخ می‌دهد. یادگیری در هر کاری که انسان انجام می‌دهد نقش دارد هر وجهی از رفتار فرد به تجارب یادگیری او بستگی دارد. ویژگی‌های روانی دیگر نظیر گرایش‌ها، نظام ارزش‌ها مهارت‌ها و... با امر یادگیری پیوند دارند.

گانیه (۱۹۷۷) می‌گوید: یادگیری عبارت است از تغییری که در آن توانایی انسان ایجاد می‌شود و برای مدتی باقی می‌ماند که نمی‌توان به سادگی به فرایندهای رشد نسبت داد.

انواع یادگیری:

حال که در مورد تعریف و یادگیری و همچنین روند تحریر کتابهای درسی اشاراتی رفت به جاست که انواع یادگیری را از دیدگاه بعضی صاحب نظران مورد بررسی قرار دهیم. به عقیده سیف (۱۳۶۷) تکوین یک تداعی یا پیوند تازه بین دو رویداد اساسی‌ترین شکل یادگیری است. روانشناسان دو شکل از یادگیری تداعی را از هم متمایز می‌دانند: شرطی شدن کنش‌گر در شرطی شدن کلاسیک جاندار یاد می‌گیرد که دو محرک همراه هم مد ایند. مثلاً نوزاد می‌آموزد که منظره پستان (بک محرک) بامزه شیر (محرک دیگر) پیوند دارد. در شرطی شدن کنش‌گر جاندار می‌آموزد پاسخی که می‌دهد پی آمد شخصی دارد.

- برای مثال نوزاد می آموزد که که گرفتن پستان به دهان (پاسخ) شیر(پی امد) به دنبال دارد.
- براهنی (۱۳۶۷) شریعتمداری (۱۳۷۷) به دو نوع یادگیری اشاره می کند:
۱. یادگیری به عنوان کسب اطلاعات و مهارتها
 ۲. یادگیری به معنی تغییر رفتار از راه تجربه

یادگیری به عنوان کسب اطلاعات و مهارتها:

مردم عادی و بسیاری از معلمان یادگیری را عبارت از کسب اطلاعات یا معلومات و مهارتهایی می دانند این مفهوم با آنچه عده کمی از افراد درباره تعلیم و تربیت در ذهن دارند موافق است معمولا معلم به کسی اطلاق می شود که مطالب علمی و عددی را به شاگردان بیاموزد یا این گونه مطالب را به ذهن شاگردان انتقال دهد. تعلیم و تربیت با توجه به این امر عبارت است از انتقال معلومات علمی و ادبی به ذهن شاگردان.

یادگیری به معنی تغییر رفتار از راه تجربه:

یادگیری در این معنی جریانی است که در آن رفتار فرد از طریق تجربه تغییر میکند و رفتار عبارت است از افکار- تمایلات- عادات- اطلاعات و مهارتها.

یادگیری در این معنی با آنچه جان دیوئی مربی و فیلسوف امریکایی درباره تعلیم و تربیت بیان نموده است ارتباط نزدیک دارد از نظر جان دیوئی تعلیم و تربیت عبارت است از دوباره ساختن یا تجدید نظر در تجربیات و تشکیل مجدد آنها به منظور رشد بیشتر. به نظر او فرد در اثر برخورد با محیط تجربیات تازه ای کسب میکند یعنی با افکار- عقاید- عادات تمایلات و اعمال تازه روبرو می شود. معلم به جای انتقال مطالب درسی به ذهن شاگردان ما باید در تغییر رفتار آنها اقدام نماید مثلا در در درس تاریخ حفظ مطالب و نام شخصیتها و محل و زمان وقوع حوادث تاریخی دانش آموزان را از علل و عوامل موثر در پیدایش وقایع تاریخی آگاه سازد و طرز پیدا کردن مطالب مستند تاریخی را به او یاد دهد. رابرت گانیه (۱۹۷۷) به نقل از سیف (۱۳۷۳) بر اساس هدفهای آموزشی انواع یادگیری را به صورت یک سلسله مراتب از ساده به پیچیده تقسیم بندی کرده. بنحوی که در این طبقه بندی یادگیری هر رفتاری برای یادگیری رفتاری سطح بالاتر پیش نیاز محسوب میشود وی سلسله مراتب هشت نوع یادگیری را به شرح زیر از ساده به پیچیده طبقه بندی می کند:

۱. **یادگیری علامتی:** در این نوع یادگیری که بیشتر بنام یادگیری رفتار شرطی سازی کلاسیک پاولف به صدای زنگ مورد مشخصی از یادگیری علامتی است.
۲. **یادگیری محرک - پاسخ:** این نوع یادگیری یاد دادن پاسخهای دقیق عضلانی به محرکات معین مشخص می شود. وقتی راننده اتومبیل با دیدن چراغ قرمز اتومبیلش را متوقف می سازد یادگیری او از نوع یادگیری محرک - پاسخ است.



۳. **یادگیری زنجیره ای:** یادگیرنده از طریق یادگیری زنجیره ای با تعداد یادگیری‌های محرک - پاسخ قبلی را به هم پیوند می‌زند و زنجیره ای از رفتار پیچیده محرک پاسخی را می‌آموزد. مانند مسواک زدن - گذاشتن خمیر دندان بر روی آن - قرار دادن مسواک در دهان - حرکت دادن آن بر روی دندانها در جهات مختلف - شستن دهان و مسواک کردن و بالاخره گذاشتن مسواک در جای مشخص آن از نوع یادگیری زنجیره ای است.

۴. **یادگیری کلامی یا تداعی کلامی:** این نوع یادگیری که زبان آموزشی نیز نامیده می‌شود بنا به عقیده گانیه نوع مشخص از یادگیری زنجیره ای است که در آن حلقه‌های یادگیری واحدهای زبان هستند در یک مثال وقتی نام شینی مانند توپ را به کودک می‌آموزیم به دنبال آن رنگ توپ را نیز یاد می‌دهیم که نوعی یادگیری کلامی زنجیره ای است.

۵. **یادگیری تمیز دادن محرکات:** یادگیری تمیز دادن محرکات شامل دادن پاسخ درست به محرکهای مختلف است. معلمانی وقتی دانش آموزان و کلاس خود را با نام درست آنها صدا می‌کنند به تمیز دادن محرکات می‌پردازد.

۶. **یادگیری مفهوم:** در یادگیری مفهوم یا مفهوم آموزی یادگیرنده بر حسب ویژه گیهای انتزاعی محرکها چون رنگ - شکل و تعداد به آنها پاسخ میدهد مانند یادگیری مفهوم پستانداران که مستلزم پاسخ درست دادن به ویژگیهای انتزاعی جانوران پستاندار معین.

۷. **یادگیری قاعده یا قانون:** در یادگیری قاعده یا قانون که به آن اصل هم گفته می‌شود. یادگیرنده دو یا چند مفهوم را به هم ربط می‌دهد. و از آن یک معنی تازه بدست می‌آورد. مانند «فلزات بر اثر حرارت منبسط می‌شوند».

۸. **حل مسئله:** در یادگیری حل مسئله با مشکل گشایی یادگیرنده با استفاده از قواعد یا اصول یا اصول به حل مسئله یا مسائل می‌پردازد به عقیده گانیه آنچه در حل مسئله آموخته می‌شود یک اصل سطح بالاتر است که از ترکیب دو یا چند اصل ساده تر تشکیل می‌یابد.

علل یادگیری و نظریات مربوط به آن:

جواب اینکه چرا انسان باید یاد بگیرد؟ سوالی است که مربوط به همه انسانها - اعصار و همه عمر او است. بشر اولیه زندگی بسیار ساده و توأم با سختیها را تجربه نمود و به تدریج که زمان سپری گشت از وسایلی موجود در طبیعت استفاده بهینه نمود تا اینکه در عصر حاضر از امکانات پیشرفته در زمینه های مختلف استفاده می نماید حال چرا انسان در اعصار و قرون گذشته نتوانسته است عتم و تکنولوژی و صنعت را به خدمت بگیرد؟ جواب ساده است برای اینکه یاد نگرفته بود و نمی دانست که چگونه به رفاه نسبی دست یابد از آن گذشته زمان و استفاده از تجربیت افراد فرهیخته اعصار و کار بست آنها موجب آسایش انسان گشته و فرهنگ و تمدن را بدست داده است و تغییرات سریع از ویژگیهای بارز جوامع بشری تلقی

می‌گردد که همه اینها بدون یادگیری امری محال است. رخشان و فریاد (۱۳۶۹) می‌نویسد رفتار انسان امری تحصیلی نامحدود و دائم‌التغییر بوده و در مقابل رفتار حیوان امر تکوینی-محدود و نسبتاً ثابت است. در گستره حیات فردی و اجتماعی انسان چیزهای بی‌شمار با طرق مختلف و متنوع برای یادگیری وجود دارند گفته شده که انسان است به تربیت در اصل و ماهیت خود جز از طریق یادگیری حاصل نمی‌شود از این رو آدمی در محدوده فراتر از مرز فیزیولوژیک - فرهنگ - تمدن شرف - کرامت و فضیلت خود را اساساً مرسوم یادگیری می‌داند. انسان هر چیز را یاد می‌گیرد حرکت کردن - گوش دادن - اندیشیدن - سخن گفتن - خواندن. . . و نهایتاً انسان آموخته‌های خود را طبقه بندی کرده و به تمیز - تجدید و یا استنتاج شناخت و تعلیم امور نائل می‌شود. سیف (۱۳۷۳) معتقد است که عملکرد شخص همان محصول یادگیری اوست. فریاد و رخشان (۱۳۱۶) تفاوت میان آدمیان را از این نقطه نظر به تفاوت در میزان و چگونگی در یادگیری آنها مربوط می‌دانند.

لورتنس (۱۹۶۹) به نقل از پارسا ص ۲۶) به طور کلد معتقد است که یادگیری امری نظری است و سازگاری با محیط را آسان می‌سازد و اضافه می‌نماید که تکامل تدریجی هنگامی به طور موفقست آمیزی رخ میدهد که گونه‌ها بتوانند استعداد جذب معلومات محیطی را از طریق انتخاب طبیعی در ساختار تکوینی خود به دست آورند به عنایت به نظریات و دیدگاه‌های فوق انسان از آغاز حیات خویش به تنها توجه خاصی به آموختن نشان داده بلکه کوشیده است که چگونگی امر آموختن را دریابد در زمان‌های باستان افرادی چند مانند افلاطون و ارسطو. . . در مورد شیوه‌های یادگیری نظریات خاصی داشته‌اند اما از قرون هفده به بعد نظریه‌های جدید دیگری به ظهور رسیده است. و روش‌های موثرتری ارائه نمودند روانشناسان به طور کلی کسب معلومات را به دو جنبه فردگرایی و تجربه‌گرایی مربوط دانسته‌اند.

فردگرایان معتقدند که معلومات یا دانش بدون اتکا به حواس از عقل یا فرد ناشی می‌شود به عقیده آنان عقل بالاترین نیرو و استعداد است اما تجربه‌گرایان بر این باورند که تجربه مایه و پایه معلومات به شمه‌ر می‌آید که بنیانگذار این تفکر ارسطو (۳۸۴ تا ۳۲۲ ق.م) می‌باشد و اندیشه‌ورانی چون جان لاک (۱۶۳۲ - ۱۷۰۴) جرج برکلی (۱۶۸۵ تا ۱۷۵۳) و . . . به گسترش تجربه‌گرایی یاری دادند گرچه فردگرایی و تمایز میان ذهن و ماده را در آثار افلاطون می‌توان خلاصه نمود و قرن‌ها بعد اندیشه دکارتی مسئله دوگانگی تن و روان را تأیید کرد ولد همین اندیشمند به شیوه تعادل یا داد و ستد تن و روان نیز معتقد است.

تجربه‌گرایان تجربه‌گرایان را در روانشناسی نظریه پردازان محرک و پاسخ می‌نامند به اعتقاد اینان یادگیرنده حالت انفعالی دارد و رفتار او در اختیار یا تابع نیروهای درونی و بیرونی است. جان لاک نخستین کسی است که به مخالفت با فطری بودن عقل و یادگیری از راه پرورش نیروهای روانی پرداخت او ذهن را هنگام تولد همانند لوح سفیدی می‌دانست که هیچ‌گونه فکر ذاتی در آن نقش نبسته است هر فکر و عقیده‌ای که از راه تجربه و حواس حاصل می‌شود اساس و پایه تفکرات انسانی را تشکیل می‌دهد ولی یادگیری را ادراکی می‌دانست از راه تجربه بدست آمده است هر پارت (۱۷۷۶ - ۱۸۴۱) نظریه اندر یافت



را ارائه داد اندر یافت بر تصور ذهنی و اندیشه مدارس استوار است مطالب هنگامی اندر یافت می‌شود که در وجدان آگاه اثر وجودی پیدا کنند و در اندیشه‌های آگاه دیگر جذب شوند. از دیدگاه این نظریه اندیشه‌های جدید وقتی که در ذهن تشکیل می‌شوند یا اندیشه‌ها یا مطالب قبلی پیوند می‌یابند و نوعی همخوانی یا هماهنگی و انسجام پدید می‌آورند (پارسا ۱۳۷۴)

عوامل موثر بر یادگیری

شریعتمداری (۱۳۷۷) در مورد عوامل موثر در یادگیری به مواردی اشاره دارد که به طور خلاصه ذکر می‌گردد.

۱. **آمادگی:** توراندایک آمادگی را شرط اساسی یادگیری میدانند برای اینکه فردی مطلبی را فرا گیرد بایستی آمادگی داشته باشد منظور از آمادگی دارا بودن رشد کافی در زمینه‌های مختلف است و مطالب درسی باید متناسب با سطح آمادگی شاگردان ارائه شود والا جز اتلاف وقت و ایجاد ناراحتی حاصلی نخواهد داشت پاره ای از آزمایشها نشان میدهد که سرعت یادگیری در زمانی که فرد آماده فرا گرفتن امر معینی است بیشتر از مواقعی است فرد فاقد آمادگی است.

۲. **تجربیات قبلی:** تجربیات قبلی پایه و اساس فهم و بصیرت ادراک جسمی یادگیری است آمادگی فرد نیز در حد وسیعی تحت تاثیر تجربیات قبلی او قرار دارد این امر در نظریه پیازه به عنوان جذب و تطابق عنوان گرفته است که سیف (۱۳۷۳) از آن به عنوان فرایند سازگاری به دو صورت جذب و تطابق انجام می‌گیرد. جذب مستلزم بروز پاسخی است که از پیش کسب شده است مثلاً وقتی کودک پستانی را میمکد انرا به فعالیت میکند که از پیش می دانسته جذب میکند از نظره روانشناسی پیازه جذب وقتی صورت می‌گیرد که شخص مطلب تازه ای را بر حسب مطالب آشنا ببیند. توجه به تجربیات قبلی شاگرد در مدرسه شرط اساسی موفقیت در کارهای تربیتی و آموزشی است. در تهیه برنامه مدرسه و انتخاب مطالب درسی باید تجربیات قبلی شاگردان را در نظر گرفت.

۳. **موقعیت یادگیری:** موقعیت یادگیری را به دو گونه استعمات نمودند. گاهی موقعیت یادگیری را به عوامل و شرایطی اطلاق میکنند که در جریان تاثیر دارد مانند نور - هوا - طرز نشستن وسعت محل و مانند اینها و عوامل غیر مادی مانند طرز تفکر و تمایل یادگیرنده احساس تمایل معلم و شاگرد و... که معلم باید کلیه عوامل موثر در جریان یادگیری را در نظر گیرد و آنچه را که مانع اجرای صحیح است از میان بردارد در این صورت جریان یادگیری به صورت حل مسئله در می‌آید که باید مسئله مورد بحث با آمادگی - استعداد احتیاج و تمایل یادگیرنده تناسب داشته باشد.

۴. **فعالیت یادگیرنده:** فعالیت از یک جهت شامل حرکات بدنی اقدام برای حل مسئله و کنجکاوای و بررسی محیط می‌باشد که در ان معنا شاگرد میل دارد خود را به کار اندازد و امور مختلف را بررسی کند از جهت دیگر یادگیری خود عملی است و اجرای ان بدون فعالیت صورت نمی‌گیرد.

۵. **محرك:** یادگیری مانند سایر اشکال رفتار معلول محرك یا محرکهائی است همان طور که منشاء رفتار افراد را احتیاجات اساسی آنها تشکیل میدهد در یادگیری نیز نیازمندیهای اساسی را به عنوان محرك فرض می‌کنیم که میل و رغبت جز محرکه‌های اساسی در یادگیری است.
۶. **انتقال:** وظیفه عمده موسسات تربیتی آماده کردن افراد برای برخورد با مشکلات است. در مدرسه نه تنها فرد طرز برخورد با مشکلات و نحوه پیدا کردن راه حل را می‌آموزد بلکه مطالبی را که به وسیله آنها مشکلات زندگی را باید حل کند فرا گیرد. استفاده از مطالب علمی و بکار بردن آنها را در برخورد با مسایل انتقال گویند.

عناصر مهم یادگیری

جریان یادگیری فرایندی است که در طی این فرایند بایستی عناصر و عواملی دخالت داشته باشند در مدت یادگیری که تغییر در رفتار حاصل آن است اخذ تجربه موجب فراگیری توانایی جدیدی می‌شود به نظر کرانباخ (۱۹۷۲) در جریان یادگیری هفت مفهوم اساسی یا به عبارت بهتر عنصر عمده دخالت دارند که به ترتیب عبارتند از:

۱. **موقعیت:** شامل همه اشیا - اشخاص - و نشانه‌هایی که در پیرامون یادگیرنده وجود دارد موقعیت فرصتی است برای ارضای خواهش‌ها فراهم می‌آورد و ارضای خواهشها از راه انتخاب پاسخ مناسب ممکن است.
۲. **خصوصیات شخصی:** خصوصیات شخصی مشتمل بر همه توانایی‌ها و پاسخ‌های متعارف شخصی که در هر موقعیت در اختیار او قرار دارند. گفته اند خصوصیات مورد نیاز برای فایده بردن از تجربه یادگیری امادگی شخصی را برای اخذ تجربه تشکیل می‌دهند.
۳. **هدف:** هدف یادگیرنده نتیجه‌ای است که او میل دارد بدست آورد. هدف عبارت است از امکانی که شخص در هر موقعیت ادراک می‌کند و انتظار دارد که برایش خرسند کننده باشد. کوشش ادمی متوجه هدف است بنابراین مسئله انگیزش عبارت است از یاری کردن به یادگیرنده برای مشاهده هدف در موقعیت هدفی که شخص می‌خواهد و فکر می‌کند که می‌تواند به آن دست یابد.
۴. **تفسیر:** عبارت است از عطف دقت به اجزایی از موقعیت مربوط ساختن مشاهدات کنونی با تجارب گذشته و بیش بینی این که کردار به چه نتایجی منتهی خواهد شد. تفسیر جزئی از پاسخی است که به موقعیتی داده می‌شود.
۵. **کردار:** یعنی جنبش‌ها و گفتارها که اجزای قابل مشاهده پاسخ را تشکیل می‌دهند شخصی از میان کردارها ممکن انرا برمی‌گزیند که انتظار دارد مطلوب ترین عواقب را برای او بار آورد.



۶. **نتیجه:** ممکن است نتیجه انتظارات شخص را تایید کند. در این صورت احتمال دارد که ادمی در موقعیتهای بعد تفسیری مشابه بکار برد. معلمی که به یادگیرنده یاد می‌دهد تا درباره کردار خود داوری کند باید یقین داشته باشد که او عواقب کردار خود را به دقت می‌بیند.

۷. **واکنش به واخوردگی:** واخوردگی وقتی روی می‌دهد که شخص از رسیدن به هدف عاجز آید. ممکن است واکنش ادمی به این درماندگی واکنش انطباقی باشد یعنی امکان دارد به تفسیر نو بپردازد و باسخش را به شیوه ای معقول تغییر دهد. اینگونه رفتار انطباقی معمولاً نتیجه ای مطلوبتر به بار می‌آورد (ترجمه رضوی (۱۳۵۱)).

یادگیری بهتر و دیدگاه‌ها:

در زمینه امادگی دانش آموزان برای یادگیری بهتر و تاثیر گذاری شیوه های یاددهی شریعتمداری (۱۳۷۷) معتقد است که سرعت دانش آموزان در زمانی که فرد اماده فرا گرفتن امر معین است بیشتر از مواقعی است که فرد فاقد امادگی کافی برای یادگیری است.

این امادگی بایستی با نحوه مدیریت کلاس و تدریس معلم ایجاد شود به عبارت دیگر معلم تدریس مطالب جدید را به شیوه ای آغاز می کند که کاملاً در فرد امادگی لازم برای یادگیری ایجاد شده است در چنین شرایطی است که معلم می تواند با شرکت دادن اینگونه دانش آموزان در فعالیتهای متنوع اسباب پیشرفت آنها را فراهم کند.

به منظور تحقق شرایط فوق الذکر استفاده از شیوه های خودکار امدی برای تعمیق و تسهیل آموزش و یادگیری ضروری به نظر می رسد رامشه (۱۳۷۷) در زمینه خودکار امدی اظهار می‌دارد که برای افزایش عملکرد تحصیلی دانش آموزان با استفاده از مفهوم خود کار امدی می توان هم خودکار امدی دانش آموزان و هم خودکار امدی معلمان را افزایش داد. اشتن (۱۹۸۴) اعتقاد دارد معلمانی که دارای خودکار امدی بالایی هستند به خود و تدریس خود نگرش مثبت دارند و این احساس را دارند که نقش مهمی در یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارند (به نقل از رامشه ۱۳۷۷)

کرانباخ (۱۹۷۲) در زمینه خودکار امدی و اعتقاد به نقش دانش آموزان اظهار می‌دارد که مدرسه و خانواده می‌توانند در شخص این اعتماد را پرورش دهند که کوششهایش وی را به هدف خواهند رساند و اگر شخص شکست بخورد نیز چیزی را از دست نخواهد داد اعتماد و احترام به قابلیتهای خویشتن رشد یافته و در دانش آموزان این احساس به وجود می‌آید که می‌تواند بر مشکلات درسی غلبه کند (به نقل از رضوی ۱۳۵۱).

شریعتمداری (۱۳۷۷) اعتقاد دارد که آنچه در جریان تربیتی (آموزش و یادگیری) تاثیر دارد طرز کار و روش معلم و شاگرد در موقعیت یادگیری است و مهمتر از همه نقش مهم در جریان یادگیری به عهده شاگرد واگذار شود. در این صورت در موقعیت یادگیری نظم و ترتیب خاصی به وجود می‌آورد و اعمال و رفتار

شاگرد را هدایت میکند. بنابراین یکی از عوامل مهم اثرگذار در یادگیری دانش آموزان نحوه اداره کلاس و چگونگی جو حاکم بر آن می‌باشد.

حسینی رامشه (۱۳۷۷) از پژوهش خود نتیجه می‌گیرد که تشویق و ترغیب اجتماعی به تنهایی تاثیر محدودی که در ایجاد و افزایش خود کار آمدی به گونه ای پایدار و مداوم دارد ولی میتواند در عملکرد موفق فرد موثر باشد به شرط اینکه این ارزیابی در مورد خودکارآمدی خارج از مرزهای واقعی نباشد.

برای اینکه در دانش آموزان انگیزه تحصیلی و آموزش حفظ و تقویت شود می‌بایستی از افراط و تفریط در ارائه تکالیف درسی خودداری نمود رابرت بیلر (۱۹۷۴) ترجمه کدیور (۱۳۶۸) معتقد است که تکالیفی به شاگردان ارائه شود تا تحیل آنها را به طرق مختلف به کار اندازد. به جای تکالیف خسته کننده و طاقت فرسا معماها و مسائلی ارائه شود که کنجکاوی را تحریک کند. همچنین میتوان آنها را به خیال پردازیهای مفیدی درباره آینده تشویق کرد مانند پرسش از نوع شغل آینده و مورد علاقه دانش آموزان شرط رسیدن به این شغل و... .

مارشال ریو (۱۹۷۷) معتقد است که اساس درک انگیزش آبرهام مازلو این است که انسان‌ها دارای تمایلات با نیازهای بنیادی در سطح ارگانیزم هستند این نیازهای بنیادی با اینکه ضعیف اند تمایلات کاملا زیستی بوده و اغلب در امور روزمره نادیده گرفته شده و با یکدیگر اشتباه می‌شوند با این حال این تمایلات بنیادی دارای سلسله مراتب بوده و نیروهای همیشه حاضری هستند که کاملا و حتما انگیزش انسان را شکل می‌دهند.

خلاصه و نتیجه گیری:

با شناسایی مفهوم انگیزش و عوامل ایجاد کننده انگیزه و تاثیر آنها بر فرآیند یادگیری و یاد دهی، دست اندر کاران نهاد مقدس تعلیم و تربیت را در طرح ریزی‌ها و برنامه ریزی‌ها را یاری خواهد داد تا راههای مناسبی انتخاب کنند و با تنظیم برنامه های مطلوب آموزشی از به هدر رفتن سرمایه های ملی جلوگیری نموده و با ارتقاء سطح دانش و آگاهی افراد جامعه که عمدتاً نسل جوان و نو جوان می باشد ایفاء وظیفه نمایند. به هر حال این آموزش و پرورش است که با سرمایه های انسانی (معلم و مربی) و مادی خویش یادگیریهای انسان را با شیوه های مناسب شکل داده و هدایت می نماید به طوری که اگر آموزش و پرورش بتواند کار آمدی در اثر بخشی خوبی داشته باشد برون داد آن که عبارت است از کلیه فارغ التحصیلان نظام آموزشی، خواهند توانست افکار و اندیشه های خود را در زمینه های مختلف علمی، صنعتی، فرهنگی و هنری بکار بسته و تغییرات اجتماعی را در جهت رفاه جامعه و خود هدایت نموده و به خدمت گیرند.

فهرست منابع و مآخذ

- امیر تیموری، محمد حسینی، آموزش و یادگیری در کلاس، ۱۳۷۸ به نقل از فصل نامه مدیریت شماره ۲۲، تابستان ۱۳۷۸.
- وین ک. هوی و سیسل ج. میسکل، تئوری، تحقیق و عمل در مدیریت آموزشی، ترجمه دکتر میر محمد سید عباس زاده- انتشارات ارومیه.
- دلاور، علی مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۴.
- دلاور علی، روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی و تهران، نشر و ویرایش ۱۳۷۷.
- سیف علی اکبر، روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزشی) تهران نشر آگاه، ۱۳۷۳.
- شریعتمداری علی، روانشناسی تربیتی، تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۷.
- فریاد، اکبر، رخشان، فریدون. یادگیری تریز انتشارات نیما، ۱۳۶۹.
- فتحی آذر اسکندر ۱۳۷۲، تدریس و یادگیری از دیدگاه تریز، شناخت گرائی، فصلنامه تعلیم و تربیت مرکز تحقیقات آموزشی، سال نهم شماره ۱، بهار ۱۳۷۲.
- مارشال ریو، جان. انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، موسسه نشر پیرایش، ۱۳۷۶.
- میرزانی، محمد و احمدوند، خسرو، ویژگیهای دانش آموزان موفق و ناموفق دوره راهنمایی تحصیلی تهران. دفتر آموزش ابتدایی و راهنمایی، زمستان ۱۳۷۰.
- مقصود حمدی پور، بررسی راههای ایجاد انگیزه در دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی، ۱۳۷۹.
- حسین، رامشه، بررسی نقش انگیزش و راهبردهای معلمان و دانش آموزان در عملکرد ریاضیات دانش آموزان سال سوم راهنمایی تریز، ۱۳۷۷.
- خدا پناهی، محمد کریم، هیجان و انگیزش، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، ۱۳۷۶